

از نگاهی دیگر



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی

سنجش عملکرد آل سعود با معیارهای تولیت حج از منظر قرآن کریم

رحیم دهقان سیمکانی*

چکیده:

عملکرد ناموفق آل سعود در مقام تولیت خانه خدا، به جهت مطابقت نبودن با موازین اسلام و صریح آیات قرآن، چالش‌های متعددی را در منطقه ایجاد نموده و اعتراض جهان اسلام را برانگیخته است. معیارهایی چون، رعایت تقوای الهی، توانمندی در ایجاد یا حفظ امنیت زائران، اهتمام به سنت برائت از مشرکین و دیگر شعائر اسلامی، توانمندی در حفظ وحدت امت اسلامی، توانمندی در هموار نمودن مسیر برای حضور حجاج در مراسم حج و توانمندی در حفظ و تقویت روحیه عبودیت و بندگی که از اهداف اصلی و فلسفه حج می‌باشد، از جمله شرایط متولیان حج در قرآن کریم دانسته شده است. این در حالی است که اکثر این موازین را در عملکرد تولیت فعلی حج نمی‌توان مشاهده نمود. عدم تطبیق عملکرد آل سعود با معیارهای ارائه شده از سوی قرآن کریم، رهبران و اندیشمندان جهان اسلام را بر آن داشته است تا به فکر راه چاره‌ای برای مدیریت حج باشند. این مقاله با تمرکز بر آیات قرآن کریم، در صدد تبیین معیارهای تولیت حج بوده و البته عملکرد آل سعود در مدیریت حج را نیز بر اساس معیارهای قرآنی، مورد سنجش قرار داده است. روش مقاله در مراجعه به آراء، استنادی و در تبیین محتوا، تبیینی و تحلیلی است.

واژگان کلیدی: حج، خانه خدا، معیارهای تولیت، عربستان سعودی، قرآن کریم.

رهبران و بزرگان جهان اسلام؛ از جمله حضرت امام خمینی (ره) در مورد مدیریت حج فرموده‌اند: «علما و مسلمانان و روشنفکران باید چاره‌ای بیندیشند.» (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۱، ص ۴۱۱) و نیز سخنان رهبر معظم انقلاب، حضرت آیت الله خامنه‌ای - حفظه الله - که می‌فرمایند: «جهان اسلام باید فکری برای مدیریت حرمین شریفین و حج بکند» (۹۵/۰۶/۱۲)؛ سخنانی مبتنی بر فهم و درایت عمیق است و نشان دهنده این است که متولیان امر روزی حج بر اساس معیارهای اسلامی و قرآنی عمل نمی‌کنند. طبیعی است کلیددار و تولیت کعبه که حکومت اسلامی آن را انتخاب می‌کند، باید مطابق با قرآن و قوانین الهی عمل کند (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ج ۱۹، ص ۲۱۶). خداوند سبحان با بیان ﴿إِنَّ أَوْلَىٰ سَأْوَهُ إِلَّا الْمُتَّقُونَ﴾ (انفال: ۳۴)، با صراحت بیان داشته است که متولیان کعبه باید برخوردار از تقوای الهی باشند. اساساً خانه خدا باید در اختیار مؤمنان و متقیان باشد و کسانی تولیت آن را بر عهده بگیرند که بتوانند معیارهای مد نظر قرآن را سرلوحه کار خود قرار داده و مراسم عظیم حج را بر مبنای آن مدیریت کنند.

معیارهای تولیت حج از منظر قرآن کریم چیست؟

این سؤال اصلی است که در این مقاله مورد بحث قرار خواهد گرفت. در صورت روشن شدن پاسخ این سؤال و تطبیق آن با عملکرد تولیت فعلی خانه خدا، مبانی قرآنی سخنان رهبران اسلام؛ از جمله حضرت امام خامنه‌ای مبنی بر ناسازگاری عملکرد متولیان فعلی حج با معیارهای اسلامی، روشن خواهد شد. در جهت پاسخ به این مسئله، ابتدا توضیح مختصری در رابطه با حج ارائه خواهد شد و سپس با توجه به آیات قرآن کریم، معیارهای تولیت تبیین خواهد شد. در پایان تبیینی از عملکرد متولیان فعلی حج نیز ارائه می‌گردد.

۱. مفهوم شناسی حج و تولیت

حج، در لغت به معنای قصد پی در پی کردن و در شریعت قصد کردن خانه خدا برای انجام اعمال و مناسک خاص است (شیخ طوسی، ۱۴۰۰ م. ص ۲۹۷). در واقع اگر عمل مخصوص در بیت الحرام را که نخستین بار حضرت ابراهیم علیه السلام آن را تشریح نمود و در شریعت محمدی صلی الله علیه و آله نیز جریان یافت، حج نامیده‌اند؛ به همین جهت است که هر کس بخواهد این عمل را انجام دهد، قصد خانه خدا می‌کند (طباطبایی، ۱۳۷۱، ج ۱۴، ص ۳۶۹). به لحاظ اصطلاحی، حج یا قصد نمودن خانه خدا، سنتی الهی است که ملائکه، انبیای الهی، و ائمه علیهم السلام همواره در انجام آن مداومت داشته‌اند.^۱ حج و مناسک آن، از

۱. برخی از روایات ناظر به این مطلب عبارت‌اند: محمد علی التسخیری، محمود قانصوه، الحج؛ معطیات، احکامه و الروایات المشتركة فیه، تهران: مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، ۱۴۲۴ق. صص ۱۹-۱۵

مقدسات و شعائر الهی است^۱ و به قدری از اهمیت برخوردار است که امام صادق علیه السلام فرمودند: «تأخیر حج کسی که حج بر او واجب است تا فرارسیدن مرگ، موجب کور محشور شدن در عالم آخرت می گردد.» (کلینی، ۱۴۰۷ق. ج ۴، ص ۲۶۹)

اما در رابطه با اصطلاح «تولیت»، واژه تولی یا ولایت، معانی مختلفی دارد اما در اینجا به معنای پذیرش مسئولیت و عهده دار شدن در اداره یک امر است. تولی (از باب تفعّل)، ولایت کسی را پذیرفتن یا به حکومت رسیدن است (راغب اصفهانی، ۱۳۹۲م. ذیل «ول ی»).

لذا اگر در قرآن کریم در مورد منافقان آمده است: ﴿وَإِذَا تَوَلَّى سَعَى فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ﴾ به این معنا است که وقتی در جامعه اسلامی بر امری گمارده شدند، همواره تلاش می کنند تا نظام اقتصادی و ارزشهای فرهنگی را تباه ساخته و مانع تعالی اخلاقی جوامع بشری شوند؛ لذا در اسلام بیان شده که متولی هر امر، لازم است شرایط لازم را داشته باشد. متولی دین باید فقیهی عادل، مدیر، مدبر، آگاه به زمان، شجاع و... باشد؛ زیرا مسلمانان زمانی از تمدن اصیل بهره مند می شوند که اسلام ناب در میان جامعه اجرا شود و هنگامی قوانین اسلامی جاری می شود که جامعه یک مسئول متخصص اسلام شناس داشته باشد (جوادی آملی، ۱۳۸۶: ۱۰۰).

به نظر می رسد، همین مختصر در تبیین معنای حج و تولیت کافی است. اما حج متولیانی دارد که این مراسم عظیم را - که هر ساله در ایام ذی حجه برگزار می شود - مدیریت می کنند و در دیگر ایام سال نیز مسئولیت انجام امور مربوط به این حریم مقدس و مبارک را بر عهده دارند. بر اساس نگرش قرآن کریم، این متولیان باید چه خصوصیات داشته باشند و بر اساس چه معیارهایی به مدیریت حج بپردازند؟

۲. معیارهای تولیت حج از منظر قرآن

۱-۲ / رعایت تقوی الهی

طبق نظر صریح قرآن کریم، بر اساس بیان ﴿إِنَّ أَوْلِيَاءَهُ إِلَّا الْمُتَّقُونَ﴾ (انفال: ۳۴)؛ تنها افرادی می توانند مدیریت حج را بر عهده بگیرند و به عنوان متولیان حج قلمداد شوند که

۱. ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُحْلُوا شَعَائِرَ اللَّهِ وَلَا الشَّهْرَ الْحَرَامَ وَلَا الْهُدْيَ وَلَا الْأَقْلَادَ وَلَا آمِينَ الْبَيْتِ الْحَرَامِ يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنْ رَبِّهِمْ وَرِضْوَانًا﴾ (مائده: ۲).

انسان‌های متقی باشند (ابن کثیر، ۱۴۱۹ق، ج ۴، ص ۴۵). بر اساس آیه، در عهده‌دار شدن تولیت خانه خدا، مسلمان بودن کافی نیست بلکه متولی باید از مؤمنان خاص بوده و از مرتبه عالی تقوا برخوردار باشد (آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۵، ص ۱۸۹). در فرهنگ قرآن کریم متقی کسی است که با ایمان و عمل صالح برای خود ملکه‌ای نفسانی فراهم می‌سازد تا او را از آسیب‌های درونی (هوای نفس) و بیرونی (شیطان) مصون دارد (جوادی آملی، ۱۳۸۹ الف: ج ۲، ص ۱۳۲).

قرآن کریم بیان می‌کند که اساس خانه خدا بر تقوا بنا نهاده شده و با بی‌تقوایی - به هر شکل ممکن - سازگار نیست، ﴿لَسَجِدُ أَتَّسَّ عَلَى التَّقْوَى مِنْ أَوَّلِ يَوْمٍ أَحَقُّ أَنْ تَقُومَ فِيهِ رِجَالٌ يُحِبُّونَ أَنْ يَتَّطَهَّرُوا﴾ (توبه: ۱۰۸). انسان‌های بی‌تقوا که مانع حضور و بهره‌برداری مردم از مسجد الحرام می‌باشند و علاوه بر اینکه خود از عبادت صحیح در آن منصرف‌اند، دیگران را نیز منصرف می‌سازند، اینها متولیان و سرپرستان مسجد الحرام نیستند؛ چرا که هیچ‌کس غیر از مردان با تقوا سرپرست و متولی خانه خدا نخواهد بود (جوادی آملی، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۳۶۰). البته منظور از تقوا که شرط اساسی تولیت حرم الهی است، تنها تقوای عبادی و دعایی و مانند آن نیست؛ بلکه تقوای جامع است که تمام ابعاد اجتماعی و سیاسی را نیز شامل می‌شود (همان، ۳۶۱). آیات آغازین سوره بقره که سخن از بهره‌وری پروا پیشگان از هدایت قرآن دارد، اوصاف خاصی برای انسان‌های با تقوا بیان نموده است؛ مثلاً از تقوای اعتقادی با تعبیر ﴿يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ﴾، از تقوای عبادی با تعبیر ﴿يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ﴾ و از تقوای مالی یا اقتصادی با تعبیر ﴿وَمَا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ﴾ یاد کرده است. متولیان حج باید از این تقوای جامع برخوردار باشند. در صورت برخوردار نبودن از تقوای الهی، صلاحیت تولیت را نخواهند داشت و در صورت اصرار بر ابقای خود، در شمار زورگویان و ستمگران خواهند بود.

۲.۲ / توانایی در حفظ و ایجاد امنیت

از دیگر شرایط تولیت خانه خدا، توانایی در اداره امور امنیتی است. خانه کعبه دو نوع امنیت دارد؛ امنیت تکوینی و امنیت تشریحی؛ که امنیت تکوینی آن را خداوند به شاهد ﴿الَّذِي أَطْعَمَهُمْ مِنْ جُوعٍ وَآمَنَهُمْ مِنْ خَوْفٍ﴾ (قریش: ۴) از پیش قرار داده و این مکان را مأمن ساخته است. امنیت تشریحی، بُعد دیگری از امنیت در حج است که بر عهده

متولیان حج است و در واقع تنها کسی شرایط تولیت را خواهد داشت که در برابر ذره‌ای خدشه به امنیت تشریحی پاسخگو باشد. خداوند با بیان ﴿وَإِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ وَأَمْنًا﴾ (بقره: ۱۲۵)، ایجاد امنیت برای حاضران در محیط خانه خدا را واجب شمرده و بر اساس آیه شریفه ﴿مَنْ دَخَلَهُ كَانَ﴾ (آل عمران: ۹۷)؛ کسی که وارد حریم کعبه شد، شرعاً در امان است. حتی این آیه، حفظ امنیت حیوانات در حرم را نیز خواستار شده و هرگونه آزار آنها را حرام می‌شمارد؛ زیرا مراد از ﴿وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا﴾، شامل وحوش و پرندگان و مانند آن نیز می‌شود (کلینی، ۱۴۰۷ق. ج ۴، ص ۲۲۶). با توجه به اطلاق آیات مذکور، برقراری امنیت امری فراگیر است و علاوه بر اینکه انسان‌ها و جانوران را شامل می‌شود، می‌توان ابعاد گوناگون امنیت؛ از جمله امنیت جانی، مالی و عرضی را به این آیات مستند کرد. از این رو، اساساً شکستن امنیت در حریم کعبه حرام است^۱ و متولیان در صورتی که توانایی برقراری امنیت را نداشته باشند و یا خود در جهت شکستن این امنیت تلاش کنند، در واقع صلاحیت خود را از دست داده‌اند و در صورت مداومت و پافشاری در ابقا، بر اساس بیان قرآن کریم کار حرام انجام داده‌اند.

۳-۲ / اهتمام ورزیدن به برائت از مشرکان و دیگر شعائر الهی

احیای شعائر اسلامی و عمل بر اساس آنها، از دیگر شرایط تولیت حج از منظر قرآن کریم است. برائت از مشرکان و نیز دیگر اموری که در مراسم حج انجام می‌شود، از جمله سنت‌ها و شعائر الهی است.^۲ بر اساس برخی از آیات شریف قرآن؛ از جمله ﴿وَإِذْ نَادَىٰ مِنْ رَبِّهِ أَطِيعُوا اللَّهَ وَاطِيعُوا الرَّسُولَ وَاحْبِبُوا لِلدِّينِ مَا كَانَتْ دِينًا لَّكُمْ وَاعْبُدُوا اللَّهَ وَاعْبُدُوا الْوَالِدِينَ وَالْحَقَّ عَلَىٰ الَّذِينَ آمَنُوا أَنْ يُحِبُّوا وَاللَّهُ عَظِيمٌ﴾ (آل عمران: ۱۰۳). برائت از مشرکین از سنت‌های الهی است که پیامبر خدا به فرمان وحی، آن را به جای آورده و حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام را مأمور اعلان تبری از مشرکان کرد (هلالی، ۱۳۷۷، ص ۳۹۹؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق. ج ۳۵، ص ۳۰۳) تا مرز توحید را از طغیان و شرک جدا

۱. ﴿وَإِذْ قَالُوا لَوْلَا جَاءَنَا آيَاتُ رَبِّنَا إِذْ نَادَىٰ مِنْ رَبِّهِ أَطِيعُوا اللَّهَ وَاطِيعُوا الرَّسُولَ وَاحْبِبُوا لِلدِّينِ مَا كَانَتْ دِينًا لَّكُمْ وَاعْبُدُوا اللَّهَ وَاعْبُدُوا الْوَالِدِينَ وَالْحَقَّ عَلَىٰ الَّذِينَ آمَنُوا أَنْ يُحِبُّوا وَاللَّهُ عَظِيمٌ﴾ (آل عمران: ۱۰۳).
 ۲. «خدای متعال در آیه شریف ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُحِلُّوا شَعَائِرَ اللَّهِ...﴾ (مائده: ۲) زمان و مکانی که حج و عمره در آن واقع می‌شود و نیز کسانی که حج و عمره را به جای می‌آورند، همچنین قربانی حج، و... همه را از شعائر الهی دانسته است.» (جوادی آملی، ۱۳۷۷، ص ۵۶).

کند و به پیروان خود نیز توصیه کرد که ﴿خُذُوا عَنِّي مَنَاسِكَكُمْ﴾ (علامه حلی، ۱۹۸۲ م. ص ۴۷۱؛ مجلسی، ۱۴۰۶ ق، ج ۴، ص ۳۴۰). این سنت البته قبل از پیامبر اسلام نیز پیوسته از سوی انبیای الهی مورد اهتمام بوده، به گونه‌ای که نمونه بارز اجرای این سنت را می‌توان در برائت حضرت ابراهیم علیه السلام از آزر مشاهده نمود که قرآن کریم به آن اشاره کرده است (الانعام: ۷۴). در همین راستا، در آیات متعددی از قرآن کریم (نساء: ۴۱۶؛ انعام: ۱۰۶؛ توبه: ۱ و ۳۶) به برائت از شرک و مشرکان از سوی انبیای الهی تأکید شده است.

اساساً می‌توان فلسفه حج و تمام تلاش‌های حضرت ابراهیم در جهت بت شکنی‌ها و مبارزات با نمرودیان و بت پرستان، و هجرت‌ها و تحمل سختی‌ها در وادی لم یزرع (ابراهیم: ۳۷) و فدیة کردن اسماعیل علیه السلام را مقدمه و زمینه‌ای دانست تا نبی خاتم صلی الله علیه و آله به تمام جهانیان ابلاغ کند که ﴿يَا قَوْمِ إِنِّي بَرِيءٌ مِّمَّا تُشْرِكُونَ﴾ (انعام: ۱۹). بر اساس این فلسفه که هدف نهایی ساختن بیت الله الحرام رسیدن به توحید و تبری و رزیدن از الحاد و شرک است، مراسم حج و خانه توحید شایسته‌ترین زمان و مکان برای ابراز تنفر از طاغوت‌های زمان و شرک و بت پرستی و مخالفان اسلام واقعی است. لذا خداوند متعال با بیان‌های مختلف،^۱ انسان‌های آزاده را بر این امر دعوت نمود تا در روز حج اکبر؛ یعنی در روزی که تمام زائران بیت الله الحرام حضور دارند، از تمام مشرکان و ملحدان و تمام مظاهر شرک اعلام برائت کنند و انزجار و نفرت خود را از طاغوت‌ها و ظالمان جهان بیان دارند.

۴-۲: هموار نمودن مسیر برای حضور حجاج در مراسم حج (پرهیز از صدّ عن سبیل)

خداوند در برخی از آیات قرآن،^۲ برای مزاحمت کسانی که مؤمنان را از ورود به زیارت خانه خدا باز می‌دارند و مانعی بر سر راه آنها قرار می‌دهند، با تعبیر ﴿نُدْفَهُ مِنْ عَذَابِ أَلِيمٍ﴾ عذاب سختی را وعده داده است. بر اساس نظر برخی مفسران؛ از جمله

۱. از جمله اینکه به حضرت ابراهیم فرمود: ﴿وَأَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَأْتُوكَ رِجَالًا وَعَلَى كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ﴾ (الحج: ۲۷) و پس از آن به پیغمبر خاتم اعلان داشت: ﴿وَأَذِّنْ مِنْ اللَّهِ وَرَسُولِهِ إِلَى النَّاسِ يَوْمَ الْحَجِّ الْأَكْبَرِ أَنَّ اللَّهَ بَرِيءٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ وَرَسُولُهُ فَإِنْ تُبْتُمْ فَهُوَ خَيْرٌ لَكُمْ وَإِنْ تَوَلَّيْتُمْ فَأَعْلَمُوا أَنَّكُمْ عَيْرٌ مُعْجِزِي اللَّهِ وَبَشِّرِ الَّذِينَ كَفَرُوا بِعَذَابِ أَلِيمٍ﴾ (برائة: ۵).
۲. ﴿إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمَسْجِدِ الْحَرَامِ الَّذِي جَعَلْنَاهُ لِلنَّاسِ سَوَاءً الْعَاكِفُ فِيهِ وَالْبَادِ وَمَنْ يُرِدْ فِيهِ بِالْحَادِ بِظُلْمٍ نُدْفَهُ مِنْ عَذَابِ أَلِيمٍ﴾.

مرحوم شیخ طوسی در آیه **﴿إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَيَصُدُّونَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ﴾** فعل مضارع «يَصُدُّونَ» بر فعل ماضی «كَفَرُوا» عطف شده و تقدیر جمله اینگونه است که «إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ شَأْنِهِمُ الصَّدَّ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ» (شیخ طوسی، بی تا، ج ۷، ص ۲۷۱)

و بر این اساس، کسانی که بر سر راه زائران مانع ایجاد می کنند، در واقع کافر هستند. از همین رو امام صادق علیه السلام فرمود: هر کس در حریم امن الهی با غیر اولیای خدا دوستی و همبستگی کند [کاری که امروزه متولیان حج دقیقاً آن را انجام می دهند]، او ملحد به ستم است و بر خداست که او را عذابی دردناک بچشاند (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۸، ص ۳۳۷).

بر اساس آیه مذکور و با استناد به بیان شریف حضرت امام صادق علیه السلام، دوستی با آمریکا و عمل کردن به عنوان ابزاری در دست آمریکا و دیگر رژیم های طاغوتی؛ از جمله مصادیق همبستگی با غیر اولیای الهی است و نوعی الحاد محسوب می شود. احادیث دیگری نیز این مطلب را تأیید می کند؛ از جمله بیان دیگری از امام صادق علیه السلام که می فرماید:

«هر ستمی که کسی در مکه به خود کند، چه سرقت یا ظلم به دیگری یا هر کار دیگر که ستم باشد، نوعی الحاد است.» (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۲۵۲).

هم پیمان شدن با دشمنان اسلام، زمینه تسلط دشمنان بر حریم امن الهی را فراهم ساخته و موجب محدود شدن ورود مؤمنان به این سرزمین مقدس خواهد شد. بر همین اساس، مرحوم سید قطب با توجه به برخی از آیات شریف قرآن، ممانعت مردم از عبادت در مسجد را تعدی به حق خداوند دانسته و معتقد است کسانی که مانع عبادت مردم در مسجد الحرام شوند، آنها را از راه خداوند باز داشته و به حق خداوند تعدی کرده اند (سید قطب، ۱۹۶۷م، ج ۵، ص ۵۹۲).

۲-۵: پرهیز از خودپرتر بینی و مانع تراشی برای مشارکت مؤمنان در مدیریت حج

بر اساس آیات قرآن،^۱ هیچ کس مالک خانه کعبه و اختیاردار مسجد الحرام نیست مگر خدا، لذا هیچ شخص یا گروه خاصی نمی تواند در تصمیم گیری مربوط به حج و خانه

۱. **﴿ثُمَّ لِيَقْضُوا تَفَثَهُمْ وَلِيُوفُوا نُدُورَهُمْ وَلِيَطَّوَّفُوا بِالْبَيْتِ الْعَتِيقِ﴾**؛ خود کلمه «عتیق» معنایش این است که این خانه ملک کسی نیست و مربوط به عموم مسلمانان است.

خدا خود را محق تر و برتر از دیگران بداند؛ چرا که تصمیم‌گیری در باب این امر، مربوط به عموم مسلمانان و بر اساس معیارهای قرآنی است:

«تولیت خانه خدا، حق الله است؛ نه حق الناس... تولیت مساجد عموماً و سرپرستی مسجدالحرام خصوصاً که ملک احدی نیست و وقف آن از قبیل تحریر رقبه و فک ملک است نه از قبیل تحبیس الأصل و تسبیل الثمره، حق کسی نخواهد بود بلکه حکم الهی و حق خاص خداست که بر مردان با تقوا جعل و الزام شده است. پس نه تنها تولیت حرم در اختیار دولتمردان خائن کنونی حجاز نیست و دیگران می‌توانند دخالت کنند، بلکه بر متقیان سراسر بلاد اسلامی لازم است که این فرمان غیبی را امتثال نموده و حرم را از حرامی و مسجد الحرام را از اجنبی آزاد نمایند.» (جوادی آملی، ۱۳۸۵ش. ج ۲، ص ۳۶۱).

در برخی از آیات قرآن کریم به صراحت بر این امر تأکید شده که بیت الله الحرام، به شخص یا طایفه خاصی تعلق ندارد و در اختیار دولت خاصی نیست. آیات متعددی از جمله آیاتی که در پی می‌آید نشان می‌دهد که هیچ شخص و یا دولت خاصی حق ندارد خود را بر دیگران در باب آن مقدم بدارد و از ورود دیگران؛ چه به لحاظ حضور برای زیارت و چه از جهت حضور در عرصه تصمیم‌گیری‌های مدیریتی منع کند:

مقیات

سنجش عملکرد آل سعود با معیارهای تولیت حج از منظر قرآن کریم

﴿جَعَلَ اللهُ الْكَعْبَةَ الْبَيْتَ الْحَرَامَ قِيَامًا لِلنَّاسِ﴾ (مائده: ۹۸).

﴿وَإِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ وَأَمْنًا وَاتَّخِذُوا مِن مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلًّى وَعَهِدْنَا إِلَى إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ أَنَّ طَهِّرَا بَيْتِيَ لِلطَّائِفِينَ وَالْعَاكِفِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ﴾ (بقره: ۱۲۵).

﴿إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ﴾ (آل عمران: ۹۶).

﴿وَالْمَسْجِدِ الْحَرَامِ الَّذِي جَعَلْنَاهُ لِلنَّاسِ سَوَاءً الْعَاكِفُ فِيهِ وَالْبَادِ﴾ (حج، ۲۵).

تعبیر «طَهِّرَا بَيْتِيَ» در یکی از آیات مذکور و یا «وَ طَهَّرْ بَيْتِيَ لِلطَّائِفِينَ» (حج: ۲۶) در برخی دیگر از آیات، اشاره به این دارد که این خانه از آن خداست و و همه می‌توانند در آن، به عبادت پردازند و اختصاص به طبقه خاص و یا کشور خاصی ندارد. (طباطبایی، ۱۳۷۱ش. ج ۱۴، ص ۳۶۸).

لذا متولیان حج موظف هستند شرایط را برای حضور همه فراهم سازند و نظرات تمام کشورهای اسلامی را در تصمیم‌گیری‌ها دخالت دهند و هیچ مانعی را برای حضور مسلمانان ایجاد نکنند.

۶-۲: تلاش برای ایجاد وحدت بین مسلمانان

تقویت دین اسلام؛ از جمله اهداف تأسیس پایگاه اسلامی حج است (مائده: ۹۷) و از همین رو در روایات اسلامی مورد تأیید شیعه و اهل سنت، گاهی بر حج اطلاق جهاد شده است (کلینی، ۱۴۰۷ق. ج ۴، ص ۲۶۰؛ ابن ماجه، بی تا، ج ۲، ص ۹۶۸، ح ۲۹۰۱) و در مواردی نیز، ارزش نفقه‌ای که در راه حج مصرف شود با نفقه‌ای که در جهاد در راه خدا مصرف می‌شود، یکسان دانسته شده است. (بخاری، ۱۴۲۲ق. ص ۲۷۲) اینکه حضرت علی علیه السلام «حج» و «جهاد» را در کنار هم به کار برده و فرموده است: حج، «مایه تقویت دین و مایه عزت اسلام است»^۱ مراد این است که حج باید به گونه‌ای اداره شود که موجب تقویت پیوند بین مسلمانان و نزدیک‌تر شدن آنها به یکدیگر شود (مطهری، ۱۳۸۰ش. ص ۸۰) از این رو تلاش جهادی برای تقویت مسلمین، از جمله وظایف متولیان حج است. از لوازم تقویت اسلام، تقویت وحدت در بین مسلمین است. آیات متعددی از قرآن کریم بر اتحاد و همبستگی امت اسلامی تأکید کرده و رمز موفقیت و غلبه بر دشمنان را اتحاد و همبستگی دانسته است.^۲ بر همین اساس، متولیان حج باید از جمله کسانی باشند که به ایجاد وحدت در بین مسلمین اهتمام ورزند. آنها در جهت تحقق این امر، از سویی باید روابط خود با مشرکان و دشمنان الهی را قطع کنند و آنها را از دخالت در امور مسلمین باز دارند و از سویی با استفاده از ظرفیت عظیم حج، مؤمنان را در مقابله با آنها متحد و یکپارچه سازند. بر همین اساس، قرآن کریم خطاب به پیامبر خدا صلی الله علیه و آله می‌فرماید: ﴿وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مَسْجِدًا ضِرَارًا وَكُفْرًا وَتَفْرِيقًا بَيْنَ الْمُؤْمِنِينَ وَإِرْصَادًا لِمَنْ حَارَبَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ مِنْ قَبْلُ وَلَيَحْلِفْنَ إِنْ أَرَدْنَا إِلَّا الْحُسْنَىٰ وَاللَّهُ يُشْهَدُ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ﴾؛ و کسانی که مسجد را برای ضرر زدن و کفر و تفرقه‌اندازی میان مسلمانان و کمینگاهی برای محاربین و دشمنان خدا و رسول، اتخاذ می‌کنند [آنگونه که متولیان فعلی حج عمل می‌کنند] و سوگند یاد می‌کنند که آنان حسن نیت دارند، خداوند گواه است که آنان دروغ پردازند. (توبه: ۱۰۷).

۱. «الْحَجَّ تَقْوِيَةً لِلدِّينِ وَ الْجِهَادَ عِزًّا لِلْإِسْلَامِ» (مجلسی، ۱۴۰۳ق. ج ۶، ص ۱۱۰).
۲. از جمله ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا﴾ (نساء: ۸۰) و ﴿وَلَا تَنَارَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ وَاصْبِرُوا﴾ (الأنفال: ۴۶).

به تعبیر قرآن کریم، خداوند خانه کعبه را بیت الله الحرام قرار داد برای اینکه جایگاه توحید، عبادت و تقرب به سوی خود باشد.^۱ به تعبیر استاد علامه طباطبایی، اینکه خداوند با تعبیر ﴿وَوَطَّهَرُ بَيْتِي لِلطَّائِفِينَ﴾ بیت را به خود نسبت داده، به خاطر این است که بفهماند این خانه مخصوص عبادت من است. (طباطبایی، ۱۳۷۱ش ج ۱۴، ص ۳۶۸) در مراسم حج، تمام زمینه‌های لازم برای تحقق یک عبادت واقعی فراهم است؛ چرا که حج ریاضتی نفسانی است، طاعتی مالی است، عبادتی بدنی است و تمام لوازم یک عبادت تام و کامل را در خود دارد. (نجفی، ۱۳۶۶ش ج ۱۷، ص ۲۱۴) این مراسم، هیچگاه نباید در بین مسلمین تعطیل شود؛ چرا که در این صورت، روح بندگی و عبودیت به مرور زمان در بین مسلمانان تضعیف خواهد شد که این از مهمترین عوامل عرفی شدن دین و دقیقاً از جمله اموری است که دشمنان اسلام در پی آن هستند. بر همین اساس امروزه یکی از توطئه‌های اصلی استکبار تعطیل نمودن حج و کمرنگ کردن آن است تا در سایه آن زمینه اباحی‌گری را در کشورهای اسلامی فراهم سازد؛ چرا که با تعطیل شدن حج، به مرور زمان انسان‌ها به جهت اینکه لزومی در رفتن به حج واجب نمی‌بینند در تطهیر اموال خود و پرداخت خمس و زکات همّت نگماشته و از این جهت نوعی اباحی‌گری و سستی نسبت به احکام دین در سطح جوامع اسلامی رواج خواهد یافت. این امر در بلند مدت روح عبودیت و بندگی را در بین جامعه از بین می‌برد و باعث می‌شود تا از تعالیم الهی تنها پوسته‌ای باقی بماند. سختی دل کردن از اموال و شهوات نفسانی و از دست دادن روحیه استکبار ستیزی، و نیز از بین رفتن اتحاد مسلمانان و فراموش نمودن برائت از مشرکان؛ از جمله پیامدهای ناگوار تضعیف روح عبودیت در بین مسلمانان است. از این رو، بر اساس هدف عبودیت که قرآن کریم آن را به عنوان هدف و فلسفه مراسم حج قرار داده، تنها کسی صلاحیت تولیت خانه توحید را خواهد داشت که در جهت حفظ و تقویت روحیه تعبد و بندگی در جامعه اسلامی تلاش کند:

«دشمنان در پی آن هستند تا ابراهیم را که نماد ایمان و عبودیت بود و از عزیزترین

۱. ﴿وَإِذْ بَوَّأْنَا لِإِبْرَاهِيمَ مَكَانَ الْبَيْتِ أَنْ لَا تُشْرِكْ بِي شَيْئًا وَطَهَّرْ بَيْتِي لِلطَّائِفِينَ وَالْقَائِمِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ﴾ (الحج: ۲۶) معنای ﴿بَوَّأْنَا لِإِبْرَاهِيمَ مَكَانَ الْبَيْتِ﴾ این است که: ما وحی کردیم به ابراهیم که برای عبادتم قصد این مکان کن. (طباطبایی، ۱۳۷۱ش ج ۱۴، ص ۳۶۸).

عزیزانش و شیرین‌ترین ثمره عمرش در راه خدا گذشت را از اذهان مسلمین بزدایند و آنها را از قربانی کردن نفس خود غافل سازند. بر اساس آیات قرآن کریم (حج: ۳۷) گرچه انسان در ظاهر، گوسفند قربانی می‌کند اما این قربانی‌ها اثری معنوی برای آورنده‌اش دارد و آن صفات و آثار معنوی است که از طریق آن به سوی خدای تعالی صعود می‌کند و به خدا نزدیک می‌شود.» (طباطبایی، ۱۳۷۱ ش. ج ۱۴، ص ۳۷۵).

آیات قرآن کریم و روایات پیشوایان معصوم بارها مسلمانان را نسبت به این توطئه گوشزد کرده است. خداوند متعال، به همین جهت، حج را عامل قیام و پایداری مسلمانان و کعبه را، وسیله سامان بخشیدن به کار مردم دانسته است.^۱ در قرآن کریم بارها بر این امر تاکید شده که بیت الله و احکام و مناسکش مایه قوام و حیات مردم است (طباطبایی، ۱۳۷۱: ج ۶، ص ۱۴۳) و از حج، به عنوان بهترین توشه تقوا و زاد راه مسیر تکاملی انسان یاد شده است.^۲ بر همین اساس، حضرت علی علیه السلام فرمودند:

«لَا تَرْكُوا حَجَّ بَيْتِ رَبِّكُمْ فَتَهْلِكُوا».

«حج خانه خدا را ترک نکنید که هلاک و نابود می‌شوید.» (ابن بابویه، ۱۴۰۶ ق. ص ۲۳۶)

حضرت در جایی دیگر بیان نموده‌اند که «در حج، خانه خدا را خالی نگذارید و گرنه دیگران آن را پر می‌کنند» (شریف الرضی، نامه ۴۷).

شهید بزرگوار آیت الله بهشتی به این امر توجه داشته و می‌نویسند:

«اگر مراسم حج نبود، با این توطئه‌هایی که علیه همبستگی مسلمانان شده است، بنده گمان می‌کنم تاکنون آن پیوندهای وحدت آفرینی را که پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم و مسلمانان صدر اسلام با خون جگر و با بذل جان و مال ایجاد کردند و امیر مؤمنان، علی علیه السلام با سی سال سکوت و خون دل خوردن، به حفاظت از آن پرداخت و ائمه علیهم السلام در راه آن تحمل دردها و رنج‌ها کردند، همه اینها تا به حال باید به فنا می‌رفت.» (حسینی بهشتی، ۱۳۹۱ ش. ص ۳۲).

علاوه بر تضعیف روحیه بندگی، تعطیلی حج باعث می‌شود تا جوامع اسلامی از دیگر فواید آن نیز محروم شوند؛ از جمله حصول الفت و مصاحبت بین مسلمانان، مجاورت و همنشینی با بزرگان و آشنا شدن با اندیشه‌های آنان، تمرین شرک زدایی

۱. ﴿جَعَلَ اللَّهُ الْكَعْبَةَ الْبَيْتَ الْحَرَامَ قِيَامًا لِلنَّاسِ...﴾ (مائده: ۹۷).
 ۲. ﴿الْحَجُّ أَشْهُرٌ مَعْلُومَاتٌ... وَ تَزُودُوا فَإِنَّ خَيْرَ الزَّادِ التَّقْوَى﴾ (بقره: ۱۹۷).

و پرهیز از سخنان باطل،^۱ تعظیم شعائر الهی،^۲ اعلان عمومی برائت از مشرکان،^۳ رفع فقر و گرسنگی و واجب شدن قربانی بر انسان رسیدگی به گرفتاری‌های مسلمانان جهان و برطرف کردن مشکلات آنان (مجلسی، ۱۴۰۳ق. ج ۹۶، ص ۳۲) و دیگر برکات بی‌شمار حج، که محروم شدن از هر یک از اینها می‌تواند در دراز مدت به تضعیف جهان اسلام منجر شود. بنابراین، متولیان حج باید کسانی باشند که نه تنها با دشمنان اسلام در این زمینه همکاری نکنند، بلکه این توطئه‌ها را شناسایی نموده و در جهت مقابله با آن تلاش کنند.

۳. سنجش عملکرد آل سعود با توجه به معیارهای یاد شده

آیا سران عربستان که امروزه متولی برگزاری مراسم توحیدی حج‌اند، بر اساس معیارهای یاد شده عمل می‌کنند؟ به بیان مختصر می‌توان گفت عملکرد تولیت فعلی حج با هیچ‌یک از معیارهای یاد شده سازگار نیست. عملکرد آنان در مقام تولیت خانه خدا به خصوص در سال‌های اخیر، به گونه‌ای است که نه تنها در جهت هموار ساختن مسیر زائران گامی برداشته نشده بلکه محروم شدن بسیاری از زائران خانه خدا از حضور در مراسم حج را نیز در پی داشته است. چالش‌های ایجاد شده و مشکلات ناشی از عملکرد مسئولان عربستان، در پی عمل نکردن بر طبق معیارهای قرآنی و شرایطی است که خداوند متعال برای متولیان خانه توحید در قرآن ذکر کرده است. این مطلب صرف یک ادعا نیست بلکه به خوبی می‌توان نشان داد که مسئولان آن کشور دارای شرایط تولیت - که در قرآن بیان شده - نیستند و بر طبق معیارهای مذکور عمل نکرده‌اند؛ به عنوان نمونه، در رابطه با معیار تقوا، پیشتر بیان شد که بر اساس آیات شریف قرآن، متولیان حج باید از ابعاد مختلف تقوا؛ از جمله تقوای

۱. ﴿وَأَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَا تُوَكِّلُهَا رَبِّي لَأَمِنتُ لَكُمْ فِي الْحِجِّ وَعَلِيَّ كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ... ذَلِكَ وَمَنْ يُعْظَمْ حُرْمَاتِ اللَّهِ فَهُوَ خَيْرٌ لَهُ عِنْدَ رَبِّهِ وَأُحِلَّتْ لَكُمْ الْأَنْعَامُ إِلَّا مَا يُتْلَىٰ عَلَيْكُمْ فَاجْتَنِبُوا الرِّجْسَ مِنَ الْأَوْثَانِ وَاجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ﴾ (مائده: ۲۷ و ۳۰).

۲. ﴿وَمَنْ يُعْظَمْ شَعَائِرَ اللَّهِ فَمَا مِنْهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ﴾ (مائده: ۳۲).

۳. ﴿وَأَذَانٌ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ إِلَى النَّاسِ يَوْمَ الْحَجِّ الْأَكْبَرِ أَنَّ اللَّهَ بَرِيءٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ وَرَسُولُهُ﴾ (توبه: ۳).

۴. ﴿لِيَشْهَدُوا مَنَافِعَ لَهُمْ وَيَذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ فِي أَيَّامٍ مَعْلُومَاتٍ عَلَيَّ مَا رَزَقْتَهُمْ مِنْ بَيْمَاتِ الْأَنْعَامِ فَكُلُوا مِنْهَا وَأَطِيعُوا أَمْرَ الْفَقِيرِ * وَالْبُدْنَ جَعَلْنَاهَا لَكُمْ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ لَكُمْ فِيهَا خَيْرٌ فَاذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ عَلَيْهَا صَوَافٍ فَإِذَا وَجَبَتْ جُنُوبُهَا فَكُلُوا مِنْهَا وَأَطِيعُوا الْقَانِعَ وَالْمُعْتَرَّ﴾ (حج: ۲۷، ۲۸ و ۳۶).

اعتقادی، اخلاقی، عبادی و تقوای مالی یا اقتصادی بهره‌مند باشند. مراد از تقوا این است که فرد به صورت خالص تمام اعتماد و اتکای خود را تنها به خداوند داشته باشد (الترمذی، ۱۳۸۹ق. ص ۸۷)، نه اینکه برای حفظ موقعیت خود به بیگانگان و مشرکان چشم بدوزد.

کسانی که متولی حج هستند باید متقی و مؤمن به عالم غیب و روز جزا و انسان‌های پایبند به موازین اخلاقی و انسانی باشند و خود را در برابر خون انسان‌های بی‌گناه، به‌خصوص در حریم امن کعبه مسئول بدانند و به قصور خود که موجب از بین رفتن جان هزاران انسان مؤمن و بی‌گناه در مراسم حج شده‌اند، اعتراف کنند، در حالی که هرگز خود را مسئول ندانسته و در پی جبران برنیامدند؛ گویی به روز حساب و جزا باور ندارند.

عملکرد آنها نشان می‌دهد که شرط یا معیار دوم؛ یعنی توانایی در ایجاد امنیت را نیز ندارند. فجایی که در سال ۱۳۶۶ و ۱۳۹۴ در سرزمین مکه و منا اتفاق افتاد، نمونه‌هایی عینی از این مسأله است. آنها حریم امن کعبه را دستاویزی قرار دادند تا از طریق آن، امنیت مسلمانان و بلاد اسلامی را به خطر بیندازند و از همین رو، در دوران صدارت و تولی آنها، بارها حرمت خانه خدا و مؤمنان و طواف کنندگان شکسته شده و جانهای خود را از دست داده‌اند.

معیار سوم؛ یعنی اهتمام ورزیدن به شعائر اسلامی؛ از جمله برائت از مشرکین که در سیره انبیای الهی وجود داشته و تقویت کننده هدف اساسی بنای کعبه و خانه توحید است نیز، همواره از سوی مسئولان سعودی سبک شمرده شده است. این در حالی است که به تصریح قرآن و بیان برخی مفسران، لازمه حرکت به سمت و سوی خدا، روی برتافتن و برائت جستن از شرک و پرهیز از هم‌پیمان شدن با مشرکان است (ابن عاشور، بی‌تا، ج ۶، ۱۸۰).

معیار چهارم نیز در عملکرد آنها رعایت نشده و نه تنها تلاشی در جهت هموار نمودن مسیر برای حضور حجاج در مراسم حج نکرده‌اند؛ بلکه همواره در پی ایجاد مانع بوده‌اند^۱ تا در پی آن، روح معنویت و عبودیت را - که حفظ آن به عنوان معیار هفتم ذکر

۱. تلاش‌های سعودی در جهت ایجاد مانع برای حضور حجاج در مراسم حج ریشه در روش و رویکرد امویان دارد؛ چرا که در روایات اسلامی بر این امر تاکید شده که سزاوار نیست برای خانه‌های مکه در قرار دهند؛ چرا که حاجیان حق دارند به حیاط خانه ساکنان مکه وارد شوند تا مراسم حج را به پایان

گردید - در جوامع اسلامی تضعیف کنند. آنها در طول سالیانی که خود را متولی خانه خدا دانسته‌اند، حرمت کعبه را شکسته و مسلمین را آزار داده‌اند و مانع ورود آنها به این حرم شریف شده‌اند، در حالی که این حرم باید امنیت کامل داشته باشد (همان، ۲۰۹-۲۰۷).

اساساً متولیان امروزی حج، با عملکرد خود، روح و محتوای اعمال حج را از بین برده و در تلاش‌اند تا اعمال و مناسک حج را به اعمالی عرفی فرو کاهند؛ برای نمونه، از سویی مراسم رمی جمرات و بیزاری از شیاطین به عنوان یک عمل واجب از منظر مذاهب خمسّه مورد تأکید واقع می‌شود (المهداوی، ۱۴۲۷ق. ص ۷۴) اما در سویی دیگر، روح عبادات و مناسک را از بین برده و از مناسک حج تنها به حفظ ظاهر بسنده کرده‌اند. آنان با مانع تراشی‌های خود بر سر راه زائران بیت‌الله الحرام؛ از جمله مصادیق ﴿يُضِلُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ﴾ می‌باشند.

تلاش در راستای حفظ وحدت اسلامی و تقویت عزت مسلمین، از دیگر معیارهای مورد نظر قرآن بود که آن نیز در عملکرد عاملان سعودی دیده نمی‌شود. مقامات سعودی، علی‌رغم اینکه لازم است سرمایه‌های تجاری و اقتصادی که از ظرفیت عظیم حج حاصل می‌شود را صرف استحکام پایه‌های اقتصادی کشورهای اسلامی و تقویت امت اسلام نمایند، آن را در جهت رضایت همپیمانان آمریکایی و صهیونیستی خود به کار گرفته و صرف تفرقه‌افکنی بین امت اسلامی و به خاک و خون کشیدن مسلمانان بی‌گناه در سوریه، یمن و عراق می‌کنند.

اهتمام به حفظ هدف و فلسفه حج نیز که به عنوان یکی دیگر از معیارها در تولید حج ذکر شد، در عملکرد عاملان سعودی دیده نمی‌شود. آنها نه تنها از عدم موفقیت حاجیان برخی از کشورها برای ورود به مراسم حج ناراحت نیستند بلکه به نظر می‌رسد با این کار زمینه بیشتری برای اهداف خود فراهم می‌سازند؛ چرا که در صورت تداوم

برند. اما معاویه اول کسی بود که برای خانه‌های مکه مصرعین قرار داد. (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق: ج ۲، ص ۱۹۴) لذا معلوم می‌شود سعودی‌های امروز که خود را تابع قرآن معرفی می‌کنند، تابع معاویه‌اند. (مطهری، ۱۳۸۰: ۵۰) نظر قرآن این بوده که این حرم شریف، متعلق به همه مسلمین باشد، حال آنکه آل سعود، بر مشی قرآن عمل نمی‌کنند.

این مسئله، به مرور زمان روحیه عبودیت و تکلیف در جوامع اسلامی کمرنگ خواهد شد و زمینه اباحی گری و سستی نسبت به احکام دین در سطح جوامع اسلامی و در نتیجه نزدیک شدن به فرهنگ اروپایی فراهم خواهد شد و از تعالیم الهی تنها پوسته‌ای باقی خواهد ماند. اشاره به این نکته لازم است که استکبار با خام نمودن عوامل سعودی، این اهداف دورتر را در سر می‌پروراند و هدف اصلی او تهی نمودن جوامع اسلامی از روح توحید و عبادت است.

نتیجه:

با توجه به تحقیقی که صورت گرفت، روشن شد که در قرآن کریم معیارهایی برای تولیت خانه خدا وجود دارد که متولیان امروزی حج بر طبق آنها عمل نمی‌کنند. آنها با ایجاد موانعی؛ از جمله از بین بردن امنیت خانه خدا و هم‌پیمانی با دشمنان اسلام، امنیت جانی حجاج و نیز امنیت اعتقادی موجود در جوامع اسلامی را تهدید نموده و از این مکان مقدس، برای ضرر زدن و کفر و تفرقه‌اندازی میان مسلمانان و به عنوان کمینگاهی برای محاربین و دشمنان خدا و رسول، استفاده می‌کنند. آنها از ظرفیت عظیم این پایگاه اسلامی، نه تنها در جهت تقویت اسلام بهره نمی‌گیرند بلکه آن را ظرفیتی قرار داده‌اند تا از طریق آن، زمینه را برای عرفی شدن دین و آموزه‌های اسلامی و فراموشی شعائر اسلامی؛ از جمله مسئله براهت از مشرکین فراهم ساخته‌اند.^۱ این امر ضرورت بیداری و بازاندیشی رهبران جهان اسلام در جهت اصلاح مسئله تولیت و انتخاب متولی جدید حج را نشان می‌دهد و مؤیدی است بر بیانات رهبر معظم انقلاب که مدیریت

۱. امام صادق علیه السلام اینگونه افراد را دزدانی دانسته که از ظرفیت عظیم حج در مسیر خلاف اسلام بهره می‌گیرند و حضرت فرمود: اگر قائم ما قیام کند، ایشان را گرفته و دستانشان را قطع می‌کند و به خواری در کوی و برزن می‌گرداند و می‌گوید: «اینان سُرّاق الله هستند.» (جوادی آملی، ۱۳۸۸ق. صص ۷۰ و ۷۱). به تعبیر علامه جوادی آملی، امروز بر امت اسلامی است که خانه خدای سبحان را از هر لوٹ و زشتی پاکیزه سازند؛ چرا که قیام برای تطهیر کعبه و نجات آن از دست اشرار، آیینی ابراهیمی است که جز بی‌خردان، از آن روی بر نمی‌تابند [اشاره به آیه شریفه ﴿وَمَنْ يَرْغَبْ عَنْ مِلَّةِ اِبْرَاهِيمَ اِلَّا اَمَنَ سَفِهَ نَفْسَهُ﴾ (بقره: ۱۳۰)]. (همان، ص ۷۱).

شورایی حج را خواستار شده‌اند؛ از این رو، سران و نمایندگان مسلمین جهان، باید آزادانه و بدون هیچ تشویشی منافع مسلمین را در نظر گرفته و بار دیگر معیارهای تولیت حج از منظر قرآن را واکاوی کنند و در جهت فقدان شرایط لازم در تولیت فعلی، چاره‌ای اندیشیده و شرایط قرآن در جهت تولیت حج را تحقق بخشند. این امر، خود ریشه در توصیه‌های قرآن کریم دارد که با بیان «وَالْحُرْمَاتُ قِصَاصٌ» (مائده: ۴۵) بیان داشته که اگر کسی حرمت کعبه و مسجدالحرام را رعایت نکرد، شما نیز می‌توانید حرمت او را رعایت نکنید.

منابع:

- قرآن کریم
۱. شریف الرضی، محمد بن حسین (۱۴۱۴ق.)، *نهج البلاغة (للصبحی صالح)* - قم، چاپ: اول.
 ۲. آلوسی، سید محمود (۱۴۱۵ق.)، *روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم*، ج ۵، بیروت، دارالکتب العلمیه.
 ۳. البخاری، محمد بن اسماعیل (۱۴۲۲ق.)، *صحیح البخاری*، بیروت - لبنان، دارالاحیاء لتراث العربی، الطبعة الاولى.
 ۴. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۰۶ق.)، *ثواب الأعمال و عقاب الأعمال*، قم، چاپ دوم.
 ۵. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۱۳ق.)، *من لا یحضره الفقیه*، ج ۲، قم، چاپ دوم.
 ۶. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر (۱۴۱۹ق.)، *تفسیر القرآن العظیم*، ج ۴، بیروت، دارالکتب العلمیه.
 ۷. ابن عاشور، محمد بن طاهر (بی تا)، *التحریر و التنویر*، ج ۶، بیروت، موسسه التاریخ.
 ۸. ابن ماجه، سنن ابن ماجه (بی تا)، تحقیق محمد فؤاد عبدالباقی، ج ۲، بی جا، دارالاحیاء لتراث العربی.
 ۹. الترمذی (۱۳۸۹ش.)، *الحج و اسراره لحکیم الترمذی*، تحقیق و ضبط حسنی نصر زیدان، مطبعة السعادة بمصر، الطبعة الأولى.
 ۱۰. التسخیری، محمد علی (۱۴۲۴ق.)، محمود قانصوه، *الحج؛ معطياته، احكامه و الروایات* المشتركة فيه، تهران: مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی.

۱۱. جوادی آملی عبدالله (۱۳۸۹ب)، تسنیم، ج ۱۹، تحقیق سعید بنی علی و عباس رحیمیان، قم: اسراء.
۱۲. جوادی آملی (۱۳۸۹ الف)، تسنیم، جلد ۲، تحقیق علی اسلامی، قم: اسراء.
۱۳. جوادی آملی (۱۳۸۸ش)، جرعه ای از صهبای حج، تحقیق حسن واعظی محمدی، قم: اسراء.
۱۴. جوادی آملی (۱۳۸۵ش)، سرچشمه اندیشه، ج ۲، تحقیق عباس رحیمیان محقق، قم: اسراء.
۱۵. جوادی آملی (۱۳۸۶ش)، شریعت در آئینه معرفت، تحقیق حمید پارسانیا، قم: اسراء.
۱۶. جوادی آملی (۱۳۷۷ش)، عبدالله، صهبای حج، تنظیم و ویرایش حسن واعظی محمدی، قم: نشر اسراء.
۱۷. حسینی بهشتی، سید محمد (۱۳۹۱ش)، حج از دیدگاه قرآن، تهران: انتشارات روزنه.
۱۸. راغب اصفهانی (۱۳۹۲ش)، المفردات فی غریب القرآن، قم: دفتر نشر نوید اسلام.
۱۹. سید قطب (۱۹۶۷م)، فی ظلال القرآن، ج ۵، بیروت - لبنان، دارالاحیاء لثراث العربی.
۲۰. شیخ طوسی (۱۴۰۰م)، الاقتصاد فی ما یتعلق بالاعتقاد، قم، مطبعة الخيام.
۲۱. شیخ طوسی (بی تا)، تفسیر التبیان، تحقیق احمد حبیب قصی العاملی، ج ۷، بیروت - لبنان: مكتبة الأمين.
۲۲. طباطبایی، محمد حسین (۱۳۷۱ش)، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۴ و ج ۶، اسماعیلیان - قم، چاپ: دوم.
۲۳. عاصم المقدسی، ابي محمد (۱۴۲۱ق)، الكواشف الجلیة فی كفر الدولة السعودية، بی جا: منبر التوحید والجهاد، الطبعة الثانية.
۲۴. علامه حلی، حسن بن یوسف بن مطهر (۱۹۸۲م)، نهج الحق و كشف الصدق، بیروت، چاپ: اول.
۲۵. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق)، الکافی، ج ۴ و ج ۸، تهران، (ط - الإسلامية)، چاپ چهارم.
۲۶. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی (۱۴۰۳ق)، بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۶ و ۳۵، بیروت، چاپ: دوم.
۲۷. مجلسی، محمد تقی بن مقصود علی (۱۴۰۶ق)، روضة المتقین فی شرح من لا یحضره الفقیه (ط - القديمة)، ج ۴، قم، چاپ: دوم.
۲۸. المعسری، محمد بن عبدالله (۱۴۲۳ق)، الادله القطعیة علی عدم شرعیة الدویلة السعودية، الطبعة السادسة، بی جا: لجنة الدفاع عن الحقوق الشرعیة.

۲۹. مطهری، مرتضی (۱۳۸۰ش.)، حج «گزیده‌ای از یادداشت‌ها»، تهران، انتشارات صدرا.
۳۰. موسوی خمینی، سید روح الله (۱۳۷۸ش.)، صحیفه امام، ج ۱، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۳۱. المهداوی، الشیخ دیاب (۱۴۲۷ق.)، الحج علی مذاهب الخمسة، راجعه و دققه الشیخ حسان عبدالله، بی‌جا: اللجنة الثقافية فی تجمّع العلماء المسلمین.
۳۲. نجفی، محمد حسن (۱۳۶۶)، جواهر الکلام، ج ۱۷، تحقیق محمود قوچانی، بی‌جا: المكتبة الاسلامیه.
۳۳. هلالی، سلیم بن قیس (۱۳۷۷ش.)، تاریخ سیاسی صدر اسلام / ترجمه کتاب سلیم - تهران، چاپ: اول.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی